

# اسرار سازمانهای سری

۴- ضد جاسوسی: (ماء موریتی در برگیرنده کسب اطلاعات و حفاظت) هنگامیکه کشوری بخواهد خود را در برابر جاسوس های دشمن حفظ نماید، ناچار از این است که به فعالیت‌های مهمتر و بیشتر از آنچه در بخش "وظیفه حفاظت" یک سازمان سری نوشتیم، دست بزند. در حقیقت، کافی نیست که مرزهای کشور را تحت مراقبت قرار دهد، ماء موران و جاسوسان دشمن را که بداخل خاکش قدم میگذارند بشناسد و نقاب از چهره آنها برگیرد، به پیرامون تاء سیسات فنی و نظامی که هدف دشمن هستند دیوار بکشد و از آنها حفاظت نماید، و یا سیستم دفاع ضد خرابکاری برای کارخانجات و صنایع خود ایجاد نماید. بلکه آنچه بایستی پیش از هراقدام دیگری انجام گیرد آنستکه "سازمان سری" در یابد و بطور دقیق بفهمد که چه نوع اطلاعات یا خرابکاری‌هایی مورد علاقه سازمان اطلاعاتی دشمن است، دشمن در کدام قسمت وارد عمل خواهد شد، و چه وسائل و ابزار آلات و چگونه ماء مورانی را در این موارد بکار خواهد گرفت، ماء موران سری او چه کسانی هستند و از چه روشهایی استفاده خواهند نمود.

عملیات مربوط بانجام این منظور، زیر عنوان فعالیت های ضد جاسوسی دستم بندی میشوند. این عملیات با ماء موریت‌های دفاعی ارتباط دارد. واژه "ضد جاسوسی" نباید ما را برآن دارد که در برابر فعالیت های سازمان های سری کشورهای دیگر جنبه دفاعی بخود بگیریم. درست برعکس، "ضد جاسوس" یک فعالیت "تعرضی" است. روش و استراتژی آن "حمله" است. وظیفه اش بازگشائی و آگاهی از نقشه سازمان سری دشمن میباشد. بی بردن ویی گیری عملیات و فعالیت های طرف مقابل از طریق ضد اطلاعات و ضد عملیات طرح شده، و تقلیل دادن محدوده فعالیت های آنها به صفر میباشد. در انجام موفقیت آمیز ماء موریت هایی که به بی اثر نمودن فعالیت های مهم دشمن منتهی میشود، با مراقبت و در نظر داشتن مداوم هدف نهائی که همانا از بین بردن دید دشمن و غافل کردن اوست، بطوریکه خواهیم گفت، با قضاوت غلط در باره جگونگی اوضاع سیاسی و نظامی طرف مقابل، اشتباه بزرگی است. برای احتراز از این اشتباه، بهر طریقی که ممکن باشد، نفوذ در شبکه جاسوسی دشمن ضروری است، تا همان روشها و شیوه‌هایی که او بکار میبرد، با زیرکی بر علیه او بکار گرفته و با نیرنگ های مختلف به

اشتباه انداخته شود. مشکل اساسی چنین کاری در ضد جاسوسی آنستکه این عملیات، بدون کوچکترین اطلاع دشمن صورت گیرد، بطوریکه موجب تغییر نقشه‌ها و محاسبات او نگردد، و در عین حال به جزئیات طرح‌ها و نقشه‌هایی که براساس آن‌ها دستورات جاسوسی و خرابکاری صادر میشود، آگاهی کامل بدست آید. در غیر اینصورت - و این در وقتی است که دستگاه دشمن به نفوذ ضد جاسوسی در دستگاه جاسوسیش اطلاع پیدا کند - ممکن است تمام اطلاعات بدست آمده از این راه از بین برود، زیرا بطور مسلم تمام نقشه‌ها و دستورات را تغییر خواهند داد. در صورتیکه این عملیات موفقیت آمیز باشد، و از اطلاعات موردعلاقه دستگاه جاسوسی دشمن اطلاع حاصل شود، میتوان اطلاعاتی پیش تهیه شده و غلط در دسترس جاسوسان آنها قرار داد تا براساس آنها تصمیماتی مخالف آنچه در نظر داشتند اتخاذ نمایند. البته باید دانست که این روش، یعنی به اشتباه انداختن دشمن، همیشه موفقیت آمیز نیست، زیرا عملیات باید با منتهای مهارت و هرجه سری‌تر انجام گردد و توفیق در این باره تا اندازه زیادی به عامل انسانی بستگی دارد.

یکی از موارد و نمونه‌های محیرالعقول نفوذ در دستگاه جاسوسی دشمن توسط ماء‌موران ضد جاسوسی دشمن همانا عملیات "قطب شمال" میباشد.

در عملیاتی که زیر عنوان "قطب شمال" صورت میگرفت - چهره اصلی ومهره اساسی رئیس "ضد جاسوسی" آلمان (III - F) در کشورهای بلژیک و هلند بود. در آن زمان که اوائل جنگ جهانی دوم بود، "فرمانده" و مدتها بعد او را بنام "سرهنگ دوم هرمان گیسک" می‌شناسیم.

در ماه مارس ۱۹۴۲ " (Abwher) "، دستگاه جاسوسی آلمان در هلند، موفق گردید که با همکاری (SIPO) (پلیس امنیتی)، از طریق تماس با یک ماء‌مور اداره تلگراف هلند که از طرف سازمان اطلاعاتی بریتانیا، در آنجا مستقر بود، ارتباط برقرار نماید. نام این شخص یعنی ماء‌مور هلندی "لاوس" بود. وی هیچکس را در هلند نداشت که توقیف او را که در انگلستان اتفاق افتاده بود، اطلاع دهد. در نتیجه "گیسک" کوشش نمود و موفق شد او را از طریق مقامات هلندی، دو باره به هلند بازگرداند.

با کمک این شخص "گیسک" توانست ارتباط دائمی رادیویی با S.O.E بریتانیا (Special Operations Executive) "اداره عملیات مخصوص" برقرار نماید. بدین ترتیب (ABWEHR) به شگفت انگیزترین بازی رادیوفونیک در تمام طول تاریخ جاسوسی دست یافت. در واقع، انگلیسی‌ها تصور آنرا هم نمیکردند که این دستگاه "ضد جاسوسی آلمان" است که از هلند با آنها ارتباط رادیویی دارد. کلیه

ارتباط های رادیویی و تمام خرابکاریها ، بر پایه ابتکار و پیشنهادهای " گیسک " انجام میگرفت ، تا آنجا که S.O.E باور نمود که امور جاسوسی تحت نظر " نیروی مقاومت " هلند ، از هر لحاظ رضایت بخش و مطابق دستورات آن سازمان اجرا میگردد . بطور کلی ، طی دو سال تعداد پنجاه و سه (۵۳) مأمور مخفی بریتانیا بمحض قدم گذاردن بخاک هلند نه تنها دستگیر نشدند بلکه در تمام موارد " گروه استقبال " ضد جاسوسی آلمان (Abwehr) در محل فرود آمدن آنها حضور داشت . در یکصد و نود (۱۹۰) مورد ، سازمان S.O.E با فرمانده " گیسک " ، برای ارسال مواد وسیله پاراشوت تبادل نظر نمود . هشتاد و پنج (۸۵) مورد آن درخواستها ارسال شد . سی منطقه فرود پاراشوت که توسط (Abwehr) پیشنهاد شده بود ومورد توافق سازمان S.O.E قرار گرفته بود محل فرود پاراشوتها برای ارسال مأمورین و مواد قرار گرفت . نتیجه این عملیات بدست آمدن پانصد و هفتاد (۵۷۰) صندوق شامل مهمات وغیره و حدود یکصد و پنجاه (۱۵۰) کلی پست بود . علاوه بر وسائل و تجهیزات دیگر ، هفتاد و پنج (۷۵) ایستگاه فرستنده ، سه (۳) دستگاه رادار برای اطلاع از جهت حمله هواپیماهای دشمن ، پانزده هزار و دویست (۱۵۲۰۰) کیلو مواد منفجره ، مهمات ، تجهیزات و وسائل خرابکاری ، سه هزار قبضه اسلحه کمری جنگی ، سیصد قبضه (۳۰۰) مسلسل ، و نیز مبالغ هنگفتی یول بدست (Abwehr) ، سازمان ضد جاسوسی آلمان افتاد .

" اداره عملیات مخصوص " S.O.E پس از واقعه " دونکرک " بدستور " وینستون چرچیل " ایجاد گردید . عملیات آن اداره پیش از اقدام تعیین میگردد و توسط مأمورانی که با دقت زیاد انتخاب شده بودند بمورد اجرا گذارده میشد . این افراد پس از دیدن دوره تعلیمات لازم مأموریت داشتند که کار را بر نیروهای آلمانی مستقر در کشورهای اشغالی " هیتلر " ، مشکل سازند . در اینگونه مناطق هسته مرکزی نیروی مقاومت توسط این گروه رهبری و حمایت میشد . این استراتژی سازمان سری بریتانیا ، در یاره ای از کشورهای نسبتاً باموفقیت روبرو گردید . این کشورها عبارت بودند از : لهستان ، چکوسلواکی ، یوگوسلاوی فرانسه و نروژ . در بلژیک و هلند نیز متعاقب عملیات آلمان بنام " قطب شمال " بمورد اجرا درآمد .

آلمانیها بمدت دو سال ، این بازی را ادامه دادند بدون اینکه " اداره عملیات مخصوص بریتانیا " هرگز نفهمد که با چه کسی سروکار داشته است . سری بودن عملیات تابدان پایه رسیده بود که (Abwehr) در نقش " نیروی مقاومت ملی هلند " بازی می نمود . با روشهایی که از " لندن " دستور داده شده بود تعدادی از خلبانهای فراری بریتانیایی را با اسپانیا منتقل نمود . حتی خود این گروه نیز خیال میکردند که هلندیها

درین باره آنها را یاری داده‌اند. (Abwehr) چند محموله کوچک را در بندر "رتردام" منفجر کرد و در نقطه‌های معینی از راه آهن دست به خرابکاری زد، برای اینکه فعالیت "نیروی مقاومت ملی هلند" را با انگلیسی‌ها نشان بدهد. لیکن، اگر پیش آمده‌های مساعد دیگری بنفع آلمانها رخ نمیداد، این "مانور" ها برای گمراه کردن انگلیسی‌ها کافی نبود. در سرلوحه غفلت انگلیسی‌ها بایستی عدم "اطمینان ایمنی" را از طرف آنها، که اولین شرط ادامه ارتباط با دستگاههای خودی است، نام برد. این کار میتوانست از "لندن" صورت یذیرد. هر فرستنده رادیویی از ابتدای فعالیت خود، میداند که در صورت اجبار (فورس ماژور)، یا چنانچه بدام افتد، میتواند همه چیز را بگوید و حتی اسم "رمز" (Code) را اظهار کند، بدون اینکه بعداً "مسئولیتی داشته باشد. اما، آن چیزی را که نبایستی هرگز بکسی ابراز کند، رمز "اطمینان امنیتی" است. "رمز اطمینان" عبارتست از در هم ریزی "رمز رادیویی" و هر چند یکبار خواستن آن از رادیوی مخاطب برای "اطمینان امنیتی" لازم میباشد. با بازگشت یکی از ماموران سابق S.O.E به هلند، دشمن تحت عنوان "نیروی مقاومت ملی هلند" با لندن وارد مبادلات رادیوفونیک می‌شود و (S.O.E) اصلاً "باین فکر نمی‌افتد که "رمز اطمینان" را از رادیوی طرف مکالمه سؤال نماید. پس از اتمام جنگ از بعضی کسانی که مورد سؤال قرار داشتند بازجویی بعمل آمد و در میان پاراشوتیست هائیکه در هلند فرود آمده و توسط آلمانها دستگیر شده بودند، معلوم گردید که "رمز اطمینان" به ضد جاسوسی آلمان داده نشده و از این طریق خیانتی در کار نبوده است. پس مامورین (Abwehr) از "رمز اطمینان" بی‌اطلاع بوده‌اند و چنانچه این رمز از طرف لندن سؤال شده بود قضیه کشف و معلوم می‌گشت. عاقبت در سال ۱۹۴۳ بود که دو نفر از ماموران سری (S.O.E) که در اسارت آلمانها بودند توانستند، از زندان "گشتاپو" بگریزند و با انگلستان فرار کنند. این دو نفر موضوع را گزارش دادند و تنها در آن موقع بود که چشمهای سازمان S.O.E انگلستان باز شد.

با دریافت هر پیام رادیویی بناچار بر وسعت کار و دامنه نیاز به نیروی انسانی و تجهیزات دستگاه ضد جاسوسی آلمان در هلند افزوده میشد، زیرا دریافت هر پیام و فهمیدن رمز آن مستلزم صرف وقت و کار بیشتر بود و ضد جاسوسی آلمان نمیتوانست حتی کوچکترین پیامها و دستورات را نادیده انگارد. برای اجرای دستورات هر روز به شبکه مخابراتی و ایستگاههای رادیو در سراسر هلند افزوده میشد، زیرا میبایست در اسرع وقت هر گونه تماس و یا دستوری اجرا گردد و بیشتر کارهای کوچک و شاید هم در نظر اول بی‌اهمیت بود که مستلزم صرف وقت، هزینه، و نیروی انسانی می‌بود. کلیه اطلاعات آماده

برای مخابره بلندن می‌بایستی با نهایت دقت و در نظر گرفتن تمام جوانب کار و سابقه دستورات و کارهای نیمه تمام و در دست اجرا، رسیدگی، تنظیم و با اشاره به رمزهای استگف‌های رادیویی محلی، مخابره گردد. جزئیات پیام‌های هر یک جداگانه دارای اهمیت خاصی بود. در خلاصه نمودن پیام‌ها میبایستی واژه‌های فنی و حرفه‌ای بکار گرفته شود و در عین حال متن پیام طوری باشد که بیانگر موضوع مورد نظر و به هویت مأمورین نیز اشاره شده باشد. مأمورانی که موظف به "رمزگشائی" پیام‌های رسیده و "رمزسازی" پیام‌های آماده ارسال بودند، و دقت در صحت کار و فعالیت آنها، با در نظر گرفتن تعداد روز افزون‌شان کاری دشوار بشمار می‌آمد. پاسخ به سوءالاتی که در باره مسائل گوناگون مانند جزئیات وضع دشمن در منطقه و تعداد و نام مأمورین آنها میشد، که تهیه پاسخ بدان‌ها نه تنها مشکل، بلکه خالی از خطر نمی‌نمود.

تمام این عملیات مستلزم بکاربندی تکنیک‌ها و روش‌های پیچیده و دقیق بود، تا آنجا که پس از پایان جنگ، موجب اعجاب دشمن یعنی متفقین گردید و نظر شگفت‌زده و تحسین‌آمیز سرشناسان و کارشناسان امور سری را در نشریه‌های مختلف منعکس ساخت. کارشناسانی مشهور مانند "گریستوفر فلیکس" از آمریکا، "و. ه. کوکریج" از انگلستان، "و. ه. ناگل" از هلند، "گانی پیریموند" از فرانسه، و استاد جاسوسی "کیم فیلی" که در شرح حال زندگیش، بویژه به اهمیت عملیات ضد جاسوسی "سرهنگ دوم گیسک" اشاره می‌نماید، از جمله اشخاصی بودند که فعالیت‌های "گیسک" و روش‌های ابتکاری در ضد جاسوسی مدرن او را مورد تحسین قرار دادند. مؤسس "سیا" (C.I.A) در آمریکا "آلن و. دالس" در کتاب خود زیر عنوان "نبرد بی‌صدا" مینویسد: "یکی از عملیات خارق‌العاده سازمانهای سری که تاکنون تاریخ بشر شاهد آن بوده است، بدون هیچ شک و تردید، عملیات "قطب شمال" دستگاه ضد جاسوسی آلمان، طی جنگ جهانی دوم می‌باشد. آنهم نه برای اینکه در سطحی بالا و وسیع اجرا گردید، بلکه بخاطر درهم پیچیدگی و ریزه‌کاریها و دقت و نتیجه‌گیریهای بسیار عالی آن و بویژه بسط و توسعه و دوام عملیات که در طولانی‌ترین زمانهای ممکن از لحاظ ادامه عملیات توسط یک دستگاه ضد جاسوسی، در بحرانی‌ترین مناطق اشغالی و رزمی، بی‌سابقه می‌باشد."

ادامه دارد